



بررسی فعل‌های پیشوندی گویش کردی ایلام از دیدگاه زبان‌شناسی ساختارگرا

کرم الله پالیزبان

Abstract:

This paper is to introduce some of the morphological capabilities of the Kurdish dialect of Ilam. For this purpose, the writer has tried to give the list of all derivative verbs formed by the three prefixes: "al-", "aw-" and "dâ-". For this, he has drawn a table including all of the derivative verbs with their Farsi equivalents. Moreover, to show some of the usages of these derivative verbs, the writer has mentioned some of the poems of the most popular poets of Ilam province. Also it has been shown that Kurdish speakers do not use all the potential morphological capabilities of this dialect. Explaining some of the morphological processes, the writer also has given some examples of derivative verbs from the English and Farsi languages.

Key words: *prefix, derivative verb, Ilami Kurdish, morphological process*

بررسی فعل‌های پیشوندی گویش کردی ایلام از دیدگاه زبان‌شناسی ساختارگرا

چکیده

این مقاله با هدف شناسایی قابلیت‌های صرفی گویش کردی ایلام در بخش فعل پیشوندی، به معرفی سه فعل پیشوندی در این گویش می‌پردازد. نویسنده تلاش کرده است تا با ارائه‌ی جدول، فعل‌های پیشوندی ساخته شده با پیشوندهای "ئه ل"، "ئه و" و "دا" و ارائه‌ی مثال برای هر کدام، معادل‌های فارسی آن‌ها را نیز به دست دهد. هم‌چنین به عنوان شاهد مثال، از سروده‌های برخی از شاعران مطرح استان مدد گرفته است. در این مقاله همچنین به برخی از فرایندهای واجی‌ای اشاره شده است که باعث تغییراتی در ساخت فعل‌های پیشوندی می‌شود. علاوه بر آن، از زبان‌های فارسی و انگلیسی و برخی گویش‌های زبان کردی مثال‌هایی از فعل‌های پیشوندی ارائه کرده است.

واژگان کلیدی: پیشوند، فعل مشتق، کردی ایلام، فرایند واجی

فعل‌های پیشوندی گویش کردی ایلام

گویش کردی ایلام آن طور که باید از حیث مطالعات زبان شناختی مورد بررسی قرار نگرفته است و قابلیت‌های آن شناسایی و شناسانیده نشده است. یکی از مهم‌ترین مواردی که کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است، ویژگی‌های تصریفی این زبان است. زبان کردی همانند دیگر زبان‌های ایرانی در زمره زبان‌های پیوندی است. به طور کلی زبان شناسان قرن نوزدهم زبان‌ها را بر اساس معیارهای صرفی به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

۱- زبان‌های تحلیلی (analytic/isolating) که در آن‌ها واژه‌ها اغلب از یک تکواژ تشکیل می‌شوند و نقش دستوری را جایگاه آن‌ها در جمله تعیین می‌کند، مانند چینی و ویتنامی (Richards ۱۹۹۲: ۱۶)

۲- زبان‌های پیوندی (agglutinating)؛ که هر کلمه معمولاً ترکیبی از یک یا چند وند مختلف است؛ مانند فارسی، کردی و ترکی.

۳- زبان‌های ادغامی (fusional)؛ که تکواژها به گونه‌ای ادغام می‌شوند که به عنوان عناصر مجزا به سادگی قابل تشخیص نیستند؛ مانند زبان لاتین که مثلاً US- در آخر کلمه ی Taurus (گاومیش) نشان می‌دهد که این واژه مذکر و مفرد و فاعل جمله است، اما این سه جنبه قابل تفکیک نیستند (اچیسون، ۱۳۷۱: ۲۴۴).

محمد رضا باطنی، زبان‌شناس معاصر در کتاب پیرامون زبان و زبان‌شناسی در جستاری تحت عنوان "فارسی‌زبانی عقیم" معتقد است:

"یکی دیگر از راه‌هایی که باید برای واژه‌شناسی علمی مورد استفاده قرار گیرد، بهره‌گرفتن از مشتقات فعل‌هایی است که هم‌اکنون به کار می‌روند، یعنی ساختن از راه قیاس؛ مثلاً ساختن "نوشتار" به قیاس "گفتار" و "رسانه" به قیاس "ماله" دکتر محمد مقدم در

پیشینه‌ی پژوهش‌های زبان‌شناختی درباره‌ی زبان کردی به سال ۱۷۸۷ میلادی بر می‌گردد؛ یعنی به زمانی که نخستین شرح و توصیف علمی زبان کردی به همت مائوریزو گارزونی (Maurizio Garzoni) در رم منتشر شد. گارزونی در اثر خود که ۲۲۱ سال از انتشار آن می‌گذرد، توصیف تقریباً مناسبی از گویش کرمانجی منطقه‌ی عمادیه در عراق به دست داد (ترقی اوغاز، ۱۳۸۰: ۱۱۹). از آن زمان تاکنون آثار بسیاری درباره‌ی این زبان و گویش‌های مختلف آن منتشر شده است، اما به جرأت می‌توان گفت یکی از معدود گویش‌های زبان کردی که کمتر مورد توجه زبان‌شناسان بوده است، گویش کردی ایلام یا گویش فیلی (feyli) است. پیشینه‌ی مطالعه بر روی این گویش نیز به سال ۱۹۱۶ میلادی بر می‌گردد، آن هنگام که محمدمامین زکی محقق نامدار کرد به این منطقه سفر می‌کند و ضمن اقامت ده روزه در دامنه‌ی کبیرکوه به زعم خود به مطالعه‌ی زبان و قومیت "لرها" می‌پردازد و از این که می‌بیند زبان اهالی پشتکوه این قدر به کردی نزدیک است، چنان که فاصله‌ی گویشی آن‌ها با کردی سلیمانیه، کمتر از اختلاف گویشی کردی بادینانی با کردی سلیمانیه است، اظهار شگفتی می‌کند (سارایی، ۱۳۷۹: ۳۷).

بررسی‌های زبان‌شناختی نشان می‌دهد که گویش کردی ایلامی (فیلی) یکی از اصیل‌ترین گویش‌های زبان کردی است که از حیث واج‌شناسی، واژگانی، نحو و معنا (در مقایسه با دیگر گویش‌های زبان کردی) کمترین تأثیر را از دیگر زبان‌ها گرفته است؛ برای مثال، کردی سورانی از لحاظ واج‌شناسی (آوایی) و معنایی به شدت تحت تأثیر زبان‌های ترکی و عربی، و گویش کردی کرمانشاه از لحاظ صرفی و معنایی تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته است (pallizban.2001, 12)

استفاده از پیشوندها در ساخت افعال جدید نیز یکی از قابلیت های زبان انگلیسی است؛ به عنوان مثال:

retain, pertain, attain, contain, detain,
conceive, receive, deceive, perceive
resist, persist, assist, consist

در زبان فارسی نیز استفاده از پیشوندها در ساخت افعال، این زبان را به یکی از غنی ترین زبان ها از این حیث تبدیل نموده است؛ مانند: در رفتن، فروهشتن، باز ستاندن، فرا گرفتن، واکاویدن، برداشتن، ...

در گویش کردی ایلام نیز استفاده از پیشوندها برای ساخت افعال جدید روشی متداول است، اما متأسفانه عدم استفاده از آن ها در رسانه های دیداری و شنیداری و نوشتاری به ویژه آثار منثور و نیز عواملی دیگر چون عدم استفاده ی کودکان از زبان کردی به عنوان زبان مادری، باعث شده است که استفاده از افعال پیشوندی روز به روز محدودتر شده و مردم بیشتر به سمت استفاده از فعل های مرکب تمایل نشان دهند. با این حال هنوز هم می توان در شعر شاعران این دیار و پیکره ی زبانی شان کاربرد این گونه ساخت ها را مشاهده نمود؛ مانند:

معما: یه ئ قوتی ده چل قوتی ده ری ئه ل کوتی

ترجمه: یک قوطی داخل چهل قوطی دیگر که درش محکم بسته است. (پاسخ: پیاز)

"آینده ی زبان فارسی" جدولی از ده فعل فارسی به دست می دهد که از هر کدام می توان بالقوه هفت مشتق به دست آورد که جمعاً هفتاد صورت می شود. او می نویسد: "از هفتاد صورتی که در این جدول داریم می بینیم که چهل و پنج صورت را به کار نمی بریم در حالی که به همه ی آن ها نیازمندیم" (باطنی، ۱۳۷۱: ۶۰). استاد شفیعی کدکنی در مقدمه و تعلیقاتی که بر کتاب "اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید" نگاشته است، بر این باور است که: "قدرت ایجاد معانی مختلف از رهگذر ترکیب افعال با پسوندها و پیشوندها، مهم ترین ویژگی نثر فارسی است و مؤلفان این دوره با یاد گرفتن از زبان مردم و یا تجارب ادبی خویش، گاه از ترکیب یک فعل با چندین کلمه یا پسوند و پیشوند، معانی بسیاری را از آن به وجود می آورند. با این تفاسیر مشخص می شود که استفاده از وندها در ساخت واژه ها و مشتقات جدید، نقشی اساسی در زایایی و غنای زبان دارد تا بتوان به وسیله ی آن ها برای مفاهیم و معانی جدید معادلی مناسب ارائه نمود (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۸۸ و ۱۸۹).

دکتر علی رخزادی در تعریف فعل پیشوندی می نویسد: فعلی است که از یک پیشوند فعلی و یک فعل ساده درست شده و این پیشوند، مفهوم جدیدی غیر از مفهوم اصلی به فعل ساده داده است. وی آن گاه از گویش کردی سورانی مثال هایی مانند "ده رچوون، هه ل وه شاندن، راپه رین، تئ کوشان، لئ دان، پئ گه یشتن" به دست داده است (رخزادی، ۱۳۷۹: ۱۶۶).